

حقوق بین الملل کیفری

گزیده مقالات ۲

دکتر محمد علی اودیلی



سرشناسه	از دبیلی، محمد علی، ۱۳۲۶ -
عنوان و نام پدیدآور	حقوق بین الملل کیفری: گزیده مقالات ۲ / محمد علی اردبیلی
مشخصات نشر	تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری	۱۹۲ ص
فروست	نشر میزان ۵۸۰
شابک	978-964-511-379-5
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه به صورت زیر نویس
موضوع	حقوق بین الملل - حقوق جزا - مقاله و خطابه ها
موضوع	حقوق جزا - جرایم بین المللی
رده بندی جنگ	ج ۳۲ الف / ۳۶ K5
رده بندی دیوین	۱۳۵۰۱
شماره کتابشناسی ملی	۲۶۲۱۳

۵۸۰

نشر میزان

حقوق بین الملل کیفری

گزیده مقالات ۲

دکتر محمد علی اردبیلی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۰

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۳۷۹-۵

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از تقاطع سهروردی، خ کاووسی فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخر رازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۲۶۷۷۷۰

ولحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۲، تلفن، ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
صلاحیت جهانی.....	۱۳
مقدمه.....	۱۳
مفهوم صلاحیت جهانی.....	۱۶
پیشینه جرم انگاری جنایات حقوق بین الملل.....	۲۰
جنایات حقوق بین الملل در طرح مسئولیت دولت.....	۲۷
صلاحیت جهانی در قلمرو صلاحیت ملی.....	۳۱
۱- اختیار اعمال صلاحیت کیفری دولت‌ها بر طبق معیارهای خود.....	۳۳
الف - قواعد عرفی.....	۳۳
ب - قواعد قراردادی.....	۴۲
۲- الزام دولت‌ها به اتخاذ تدابیر تقنینی.....	۴۵
۳- الزام دولت‌ها به اجرای صلاحیت کیفری.....	۴۸
الف - قرارداد جلوگیری از کشتار جمعی.....	۴۹
ب - قراردادهای ژنو.....	۵۲
پ - جنایات علیه بشریت.....	۵۵

ماده ۸ قانون مجازات اسلامی و اصل صلاحیت جهانی.....	۶۱
چکیده.....	۶۱
مقدمه.....	۶۲
ماده ۸ قانون مجازات اسلامی.....	۶۵
ادغام معاهدات بین المللی در حقوق داخلی.....	۷۲
اصل صلاحیت جهانی به موجب معاهدات بین المللی.....	۷۹
نتیجه گیری.....	۸۶
مفهوم شکنجه در اعلامیه جهانی حقوق بشر.....	۸۹
مقدمه.....	۸۹
تعریف شکنجه.....	۹۲
شکنجه همچون جنایت بین المللی.....	۹۵
نتیجه گیری.....	۹۷
شکنجه همچون جنایت بین المللی.....	۱۰۱
مقدمه.....	۱۰۱
شکنجه از نگاه حقوق بین الملل کیفری.....	۱۰۴
الف - جنایت علیه بشریت.....	۱۰۴
ب - جنایت جنگی.....	۱۰۵
پ - کشتار جمعی.....	۱۰۵
قاعده آمره منع شکنجه.....	۱۰۶
تعریف شکنجه.....	۱۰۹
الف - عنصر مادی.....	۱۰۹
ب - عنصر روانی.....	۱۱۲
پ - شخصیت شکنجه گر.....	۱۱۵

استرداد یا تعقیب.....	۱۲۳
چکیده.....	۱۲۳
مقدمه.....	۱۲۴
مفهوم تعهد به استرداد یا تعقیب.....	۱۲۹
صلاحیت جهانی و قاعده استرداد یا تعقیب.....	۱۳۳
منابع تعهد به استرداد یا تعقیب.....	۱۳۴
نتیجه گیری.....	۱۴۲
همکاری دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی.....	۱۴۵
چکیده.....	۱۴۵
مقدمه.....	۱۴۶
۱- تعهد به همکاری با دادگاه‌های بین‌المللی.....	۱۴۸
۲- مضمون تعهد به همکاری با دیوان.....	۱۵۱
۳- اجرای تعهد به همکاری با دیوان.....	۱۵۳
۴- چگونگی اجرای تعهد به همکاری با دیوان.....	۱۵۴
۵- حدود تعهد به همکاری با دیوان.....	۱۵۶
۶- تضمینات خودداری از همکاری با دیوان.....	۱۶۰
۷- دستگیری و تحویل اشخاص به دیوان.....	۱۶۱
۸- اشکال دیگر همکاری با دیوان.....	۱۶۵
عفو در حقوق بین‌الملل کیفری.....	۱۷۱
مقدمه.....	۱۷۱
۱- عفو از دیدگاه حقوق بین‌الملل قراردادی.....	۱۷۳
۲- عفو از دیدگاه حقوق بین‌الملل عرفی.....	۱۸۰

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

حقوق بین‌الملل کیفری (گرفته مقالات ۲) دفتر دیگری است از سلسله مقالاتی که در این زمینه به تدریج در یک دهه اخیر فراهم آمده است. دفتر نخستین که انتظار نمی‌رفت با چنان استقبالی رو به رو شود که در زمانی کوتاه به چاپ‌های متعدد برسد گلچینی از موضوعات حقوق بین‌الملل کیفری بود که از آن پس به عنوان منبعی درسی به دانشجویان رشته حقوق معرفی گردید. نویسنده که به کمبود منابع این درس به خوبی آگاه بود بر آن شد که مجموعه دیگری از موضوعات را در دفتری به همان نام گردآوری کند. در آغاز، هر یک از این موضوعات در ضمن تدریس مباحث حقوق بین‌الملل کیفری در دوره‌های تحصیلات تکمیلی گزیده و نگاشته شد، سپس در فرصتی که در سال ۸۸ برای مطالعه و تحقیق پیش آمد مطالب یکایک مقالات بازبینی و منابع آن تکمیل گردید. تنوع موضوعات این درس که گاه شبهه پراکندگی این رشته را دامن می‌زند نشانه پیشرفت چشمگیر حقوق بین‌الملل کیفری در این دو دهه گذشته است. از این رو، به جای یک دوره کامل حقوق بین‌الملل کیفری، به نظر رسید که شیوه گزینش موضوع و بسط و گسترش آن در قالب مقاله انتظار دانشجویان و علاقه‌مندان به این رشته حقوق را در دوره‌های عالی بهتر تامین می‌کند.

بعضی از مقالات این دفتر پیش از آن در مجموعه‌های مقالات یا مجله تحقیقات حقوقی در این سال‌ها منتشر شده است. لیکن فرصتی برای انتشار اکثر مقالات دیگر دست نداد. نویسنده امیدوار است که بتواند در آینده به همین سبک و سیاق مطالب دیگری از همین گفتار به جامعه دانشجویان و پژوهشگران تقدیم کند.

با اینکه در این دو دهه در قلمرو حقوق بین‌الملل کیفری شمار مقالات در نشریات و پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویی در مجامع دانشگاهی رو به فزونی گذاشته و چندین و چند کتاب در این باب ترجمه و تالیف شده است، هنوز هم جای بسیاری از موضوعات در این نوشته‌ها خالی است. حقوق بین‌الملل کیفری با گسترش نهادهای بین‌المللی قضایی و شبه قضایی و صدور احکام و قرارهای کم سابقه افق‌های تازه‌ای در برابر دانش پژوهان گشوده است. در کنار دیوان کیفری بین‌المللی، نهادهای مذکور هم اکنون در حال تحقیق و رسیدگی به مهمترین جنایات بین‌المللی یعنی، کشتار جمعی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی‌اند. از سوی دیگر، نهادهای ملی قضایی نیز به اعتبار صلاحیت خود در رسیدگی به این جنایات ناگزیرند از معارف این رشته که بی اغراق دامنه‌ای بس گسترده یافته بی بهره نمانند. قوه قضاییه در سال‌های اخیر بنابر وظیفه‌ای که به موجب اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی به آن محول شده لایحه‌ای^۱ را تهیه و تنظیم نموده است که حسن اجرای آن به آموزش پیشین قضات به مباحث این رشته بستگی دارد. از این رو، تلاش برای به روز رسانی اطلاعات این رشته باید همواره وجهه نظر دانش پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث باشد. خوشبختانه سهولت دسترسی به منابع روزآمد در عصر ارتباطات پژوهندگان را به تحقیق در قلمرو این رشته از گذشته راغب‌تر کرده است. پیش از این، ناکارآمدی حقوق بین‌الملل (کیفری) به دلیل بی‌کیفر ماندن سران و رهبران کشورها که یا نقاب مصونیت به چهره کشیده یا در پشت اعمال دولت پنهان شده بودند، دلسردی و تلخکامی را در مجامع علمی هم حاکم کرده بود. امروزه رویای تعقیب سران و رهبران به واقعیت پیوسته و دیگر هیچ کس در هر مقام و منصبی نمی‌تواند از پاسخگویی به اعمال ضد بشری خود طفره رود. اصل مسؤولیت کیفری فردی دستاوردی است که در روزگار ما امید را در دل انسان‌های عدالت خواه زنده گردانیده است. بخشی از این دستاورد و دستاوردهای فراوان دیگری وامدار آرا و نظریات حقوق‌دانانی است که به برکت مطالعه و تحقیق نصیب حقوق بین‌الملل کیفری نموده است.

۱. قوه قضاییه در تاریخ ۱ بهمن ۱۳۸۷ در اجرای بخشی از تعهدات قراردادی دولت ایران لایحه رسیدگی به جنایات بین‌المللی را تقدیم هیات دولت نمود. این لایحه پس از تصویب هیات دولت در تاریخ ۳ اسفند ۸۷ به مجلس شورای اسلامی ارسال گردید. تا این تاریخ هنوز مجلس وصول این لایحه را اعلام نکرده است.

در این کتاب نیز نویسنده با تنظیم کتابشناسی فارسی و لاتین مقالات، در پایان به معرفی نمونه‌ای از این نوع تحقیقات پرداخته است. امید آنکه دامنه این دست مطالعات و تحقیقات در کشورمان روز به روز گسترده گردد و نیاز جامعه حقوقدانان را به نتایج آن تامین نماید.

محمدعلی اردبیلی

۱۶ بهمن ۱۳۹۰

www.ketab.ir

صلاحیت جهانی

مقدمه

چندی است مبارزه با پدیده فرار از مجازات یا بی‌کیفر ماندن جنایتکارانی که در حریم امن مصونیت‌ها غنود اند خواب از چشمان بسیاری آنان ریخته است. این مبارزه چه در سطح بین‌المللی با تأسیس دیوان بین‌المللی و چه در سطح ملی با شناسایی صلاحیت جهانی عرصه را بر مقامات دولت‌ها که به ارتکاب جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، کشتار جمعی و شکنجه متهم‌اند روز به روز تنگ‌تر کرده است. تا سال‌ها این دولت‌ها یعنی تابعان سنتی حقوق بین‌الملل بوده‌اند که ابتکار عمل را در دست داشتند. هر دولتی به اتکاء نظام کیفری ملی و وضع قوانینی که به زعم خود آرمان عدالت خواهی را به بهترین وجه تأمین می‌کرد به این جنایات رسیدگی می‌کرد. لیکن حاکمیت‌های مستقل هیچ الزامی نداشتند از مقامات و زمامداران سابق خود درباره اعمال گذشته آن‌ها سؤال کنند. دولت‌های دیگر هم تا هنگامی که منافع ملی‌شان به خطر نیفتاده بود از مداخله در امور داخلی دیگر کشورها پرهیز می‌کردند. زیرا، ارتکاب بعضی از این جنایات امری داخلی و رسیدگی به آن‌ها به حاکمیت دولت‌ها مربوط می‌شد. امروزه مبارزه علیه بی‌کیفری با قوام و شکل‌گیری جامعه بین‌المللی از سطح ملی به سطح بین‌المللی راه یافته است. سرچشمه این تحول را باید در تلاش‌های جامعه بین‌المللی پس از وقایع جنگ دوم جهانی جستجو کرد. محاکمات نورنبرگ و پس از آن توکیو سرفصل جدیدی در قلمرو مناسبات دولت‌ها گشود. دادگاه نورنبرگ پرده از مسئولیت فردی حاکمان که در دژ «عمل دولت»^۱ پنهان بودند برگرفت و ثابت کرد که جنایات بین‌المللی به دست انسان‌ها صورت می‌گیرد نه شخصیت‌های اعتباری و ابداعی مانند دولت. ماده ۷ اساسنامه دادگاه نورنبرگ به صراحت اعلام کرد که: «سمت رسمی

1. Acte of state.

متهمان اعم از رئیس دولت یا مقامات عالی رتبه اداری عذر معاف کننده و دلیل تخفیف مجازات آن‌ها محسوب نمی‌شود.^{۱۱} چنین بود که جنایتکاران نازی نتوانستند در دادگاه برای فرار از مسئولیت، خود را در پناه سمت و شغل دولتی که داشته‌اند مصون دارند.

با وجودی که حقوق بین‌المللی کیفری دوران جوانی خود را طی می‌کند، در خلال وقایع سال‌های بحرانی دهه ۱۹۹۰ بویژه فجایع یوگسلاوی پیشین و کشور آفریقایی رواندا دستاوردهای مهمی کسب نموده است. با تصویب اساسنامه رم در ۱۹۹۸ و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی ۲۰۰۲ این پیشرفت به اوج خود رسید و جامعه بین‌المللی وارد مرحله جدیدی از رشد حیات سیاسی خود گردید. با این همه، حرکت به سمت بین‌المللی شدن حقوق کیفری به این معنی نیست که دولت‌ها در این مبارزه رسالت خود را از دست داده‌اند. به عکس، حقوق بین‌الملل کیفری در کنار نهادهای قضایی ملی باید به منزله مجموعه قواعد تکمیل کننده و فرعی نگاه شود. به بیان دیگر، الویت همچنان با اقدامات ملی است. از حقوق بین‌الملل کیفری نیز انتظاری جز تکمیل کاستی‌های اقدامات مذکور نیست. در این میان، رفتار دولت‌ها در شناسایی این قواعد خود مؤید آن است که چگونه هنجارهای بین‌المللی به خدمت نهادهای قضایی ملی درمی‌آیند.

صلاحیت جهانی در شمار نهادهایی است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد و گاه آن‌ها را مکلف می‌کند که در مبارزه علیه جنایات بین‌المللی به موازات اقدامات دادگاه‌های بین‌المللی در این عرصه پیشگام باشند. دولت‌ها می‌توانند بر پایه چنین صلاحیتی آمران و عاملان جنایات بین‌المللی را صرف نظر از محل وقوع این جنایات یا تابعیت جنایتکاران یا تابعیت قربانیان جرم تعقیب و مجازات کنند. با وجودی که تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی برای دولت‌های عضو تعهدات جدیدی پدید آورده است، در اعمال صلاحیت جهانی خدشه‌ای به اختیارات دولت‌ها وارد نکرده است. اساسنامه رم صلاحیت دیوان را صلاحیت یک رکن فرعی هنگامی که رکن اصلی یعنی نهادهای قضایی ملی در اعمال صلاحیت اولیه خود کوتاهی کنند بر شمرده است. به عبارت دیگر، نظام قضایی ملی و بین‌المللی برای مهار جنایات بین‌المللی یک مسیر را می‌پیمایند. افزون بر آن، دیباچه اساسنامه خود این نکته را یادآوری می‌کند که «وظیفه

همه دولت‌ها است که صلاحیت جنایی خود را در قبال مسئولان جنایات بین‌المللی اعمال کنند.»

این موضوع به وضوح نشان می‌دهد که نظام‌های قضایی ملی در پایان دادن به پدیده بی‌کیفری سهم تعیین‌کننده‌ای دارند و با تأسیس یک مرجع صلاحیت‌دار بین‌المللی نمی‌توان از وجود آنان بی‌نیاز بود. بویژه آنکه اساسنامه دیوان در وضع کنونی هنوز به تصویب کمتر از دو سوم دولت‌ها نرسیده است. این تصور که با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی اختیار رسیدگی به جنایاتی که تحت صلاحیت دادگاه‌های ملی است به یک مرجع بین‌المللی تفویض خواهد شد قدری دور از واقعیت به نظر می‌رسد. این شبهه ناشی از آن است که هر دو مرجع ملی و بین‌المللی از صلاحیت موضوعی مشابه‌ای در قبال جنایات بین‌المللی مانند کشتار جمعی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی برخوردارند.

از دیرباز دادگاه‌های ملی نقطه صلاحیت رسیدگی به جرایمی را که در قلمرو سرزمینی آن‌ها ارتکاب می‌یافت می‌داشتند (صلاحیت سرزمینی) رفته‌رفته حقوق بین‌الملل صورت‌های دیگری از صلاحیت برون سرزمینی دولت‌ها را به رسمیت شناخت، بویژه صلاحیت رسیدگی نسبت به جرایم اتباع خود در قلمرو حاکمیت دولت دیگر (صلاحیت شخصی فعال) و صلاحیت رسیدگی به جرایم علیه منافع حیاتی یک دولت (صلاحیت واقعی) و اندکی پس از آن صلاحیت رسیدگی به جرایم علیه اتباع خود در قلمرو حاکمیت دولت دیگر (صلاحیت شخصی انفعالی) که صورت اخیر با مخالفت بعضی از دولت‌ها همراه بوده است. افزون بر آن، دولت‌ها توانستند با توسعه صلاحیت‌های برون سرزمینی خود در قلمرو آب‌ها و سرزمین‌هایی که حاکمیتی بر آن‌ها مستقر نبود اصل دیگری از اصول صلاحیت‌های قضایی را تحکیم بخشند که به صلاحیت جهانی مشهور گردید. اعمال این صلاحیت با تعقیب و مجازات راهزنان دریایی در آب‌های آزاد آغاز شد. چون وقوع چنین جرایمی تهدیدی علیه منافع مشترک همه دولت‌ها تلقی می‌گردید، همه دولت‌ها مجاز بودند به دفاع از منافع جمعی قیام کنند. در روزگار ما، حقوق بین‌الملل در برابر نقض جدی ارزش‌هایی که جامعه بین‌المللی در کل به آن پایبند است به دولت‌ها اجازه تعقیب و مجازات افرادی که نه در قلمرو حاکمیت آن‌ها مرتکب جرم شده‌اند، نه از اتباع آن‌ها به‌شمار می‌روند و نه به

منافع حیاتی آن‌ها تعدی کرده‌اند و نه علیه اتباع آن‌ها مرتکب جرم شده‌اند داده است. شرط اعمال چنین صلاحیتی فقط حضور مرتکب در قلمرو حاکمیت دولت تعقیب کننده و یا رد او به دولت متقاضی است. به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل دادرسی غیابی مرتکبان جنایات بین‌المللی را تأیید نمی‌کند. این موضوع و گفتگو بر سر حدود اعمال صلاحیت جهانی چه در وادی نظر و چه در قلمرو عمل بار دیگر اذهان حقوقدانان را به اهمیت کاربرد صلاحیت مذکور جلب نموده است. مقاله حاضر نگاهی است به موضوع از دو زاویه شناخت جنایات مشمول صلاحیت جهانی و نیز تعهدات دولت‌ها بر اجرای صحیح صلاحیت مذکور. درخصوص تعهد دولت‌ها در مبارزه با جنایات بین‌المللی، یادآوری این نکته ضروری است که سازمان ملل متحد به مناسبت‌های مختلف از زبان ارکان این سازمان بارها بر مسئولیت دولت‌ها بر ایفاء تعهداتشان در تعقیب و مجازات مظنونان به جنایات کشتار جمعی، جنایات علیه بشریت و عاملان نقض جلدی حقوق بشر دوستانه تأکید نموده است و از همه دولت‌ها خواسته است که در مبارزه با چنین جنایات هولناکی که صلح، امنیت و آسایش جهان را تهدید می‌کند با یکدیگر همکاری کنند.

مفهوم صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی مقوله‌ای نظری است. تاکنون هیچ تعریف قراردادی یا عرفی از این مقوله که تعهد حقوقی برای دولت‌ها ایجاد کند ارائه نشده است. در نظریه و آراء حقوقدانان این مقوله در برابر صلاحیت سرزمینی (محل ارتکاب جرم) به مثابه سومین مبنای صلاحیت کیفری برون سرزمینی در کنار صلاحیت شخصی (فاعلی و فعل پذیر) و صلاحیت واقعی (یا حمایتی) بروز و ظهور یافته است. در تفسیری که در اصول پرینستون^۱ از صلاحیت جهانی آمده، چنین صلاحیتی بدون توجه به محل وقوع جرم، ملیت مرتکب، ملیت مجنی‌علیه و یا هرگونه معیار وابستگی، شایستگی مرجع قضایی مبتنی بر ماهیت جرم بیان شده است. اصول یاد شده اعمال صلاحیت جهانی را با رعایت حقوق دفاعی متهم مشروط به حضور او در دادرسی به اتهام «جنایات مهم» از

1. <http://lapa.princeton.edu/unive-jur.pdf>.

منظر حقوق بین‌الملل می‌داند. در اصل دوم سند مذکور، جنایات مهم بدون آنکه صلاحیت رسیدگی به آن‌ها محصور باشد، چنین بیان شده است؛ دزدی دریایی، برده‌داری، جنایات جنگی، جنایات علیه صلح، جنایات علیه بشریت، کشتار جمعی و شکنجه. همه این جنایات ریشه در حقوق بین‌الملل عرفی دارند.

در یک تعریف دیگری که مؤسسه حقوق بین‌الملل (نشست کراکوی ۲۰۰۵، لهستان)^۱ از صلاحیت جهانی به دست داده است، با تأکید بر چند جنبه خاص که برگرفته از تحولات جدید مفهوم صلاحیت جهانی است، به بیان عناصر عمومی این مفهوم چنین اشاره کرده است؛ صلاحیت جهانی در امور کیفری، به عنوان صلاحیت اضافی عبارت است از صلاحیت دولت در تعقیب هر مظنون و مجازات او چنانچه مقصر شناخته شود، صرف‌نظر از محل ارتکاب جنایات و بدون توجه به رابطه تابعیت اعم از ملیت مرتکب یا ملیت مجنی‌علیه و یا هر مبنای دیگر صلاحیتی که حقوق بین‌الملل آن را شناخته باشد.

مؤسسه حقوقی بین‌الملل از این صلاحیت با وصف «اضافی» یاد کرده است. به عبارت دیگر، صلاحیت یک دولت بر مبنای اصول سنتی مانند محل وقوع جرم، وابستگی ملی اعم از ملیت مرتکب یا مجنی‌علیه در این تعریف اولی است. فقط در این موارد، چنانچه دولتی که جرم در قلمرو آن ارتکاب یافته یا مرتکب تابعیت آن را دارد آشکارا تمایلی به رسیدگی نداشته باشد یا ناتوان از رسیدگی باشد، دولتی که مرتکب را در اختیار دارد می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند. از این رو، در بندهای دیگر این قطعنامه به دولتی که مرتکب را بازداشت کرده تکلیف شده است، بیش از هرگونه اقدام قضایی بر مبنای صلاحیت جهانی، از دولتی که جرم در قلمرو آن ارتکاب یافته یا دولت متبوع مرتکب بپرسد آیا دولت مذکور آمادگی تعقیب مرتکب را دارد؟ در فرض امتناع یا ناتوانی دولت‌های مذکور که در هر حال همکاری آن‌ها به منظور گردآوری ادله جرم در مواردی ضروری شناخته شده، دولتی که متهم را در اختیار دارد با حفظ تمام جوانب از جمله رعایت حقوق متهم بر اساس حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه می‌تواند به استناد صلاحیت جهانی او را تعقیب و مجازات کند.

۱. قطعنامه ۲۶ اوت ۲۰۰۵ در این منبع؛

غایت و غرض صلاحیت جهانی جلوگیری از بی‌کیفری و اطمینان از تعقیب و مجازات کسانی است که به اتهام جرایم مهم متواری‌اند و پناهگاهی برای خود می‌جویند. پیام صلاحیت جهانی این است که هیچ جای امنی برای چنین جنایتکاران در هیچ کشوری وجود ندارد. بنابراین، محاکم ملی همه کشورها در فرضی که به این جنایتکاران دست یافتند صلاحیت رسیدگی به جنایات آنان را دارند.

عموماً گفته می‌شود که شایستگی این محاکم به این دلیل که منافع ملی دولت محل وقوع جرم یا اتباع دولت مذکور را تأمین می‌کنند نیست. بلکه این صلاحیت به آنان داده شده که بتوانند از بعضی از منافع جامعه بین‌المللی در کل دفاع کنند. از این رو، محاکم ملی هم‌تراز با دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و برخوردار از قابلیت به مراتب گسترده‌تر در جایگاهی استفاده‌اند که جامعه بین‌المللی آن‌ها را دقیقاً تأیید می‌کند. به استناد صلاحیت جهانی، دادگاه‌های ملی می‌توانند بدون آنکه نیاز به کسب اجازه از مراجع بین‌المللی داشته باشند متهمان به ارتکاب نقض فاحش حقوق بین‌الملل را به دادرسی فرا بخوانند. از منظر دیگر می‌توان گفت، صلاحیت جهانی سازوکار جایگزینی در غیاب یک نهاد صالح بین‌المللی است که بتواند در خدمت جامعه بین‌المللی از ارزش‌ها و منافع مشترک آن حمایت کند. در این معنی، صلاحیت جهانی با حق عموم دولت‌ها ناشی از تعهدی که هر یک از دولت‌ها در قبال جامعه بین‌المللی دارند، قابل قیاس است. حقوق بین‌الملل به منظور حفظ و بقای ارزش‌های بنیادی جامعه بین‌المللی، یکایک دولت‌ها را در دفاع از این ارزش‌ها متعهد می‌داند. این موضوع در مواردی که دولت محل وقوع جرم یا دولت متوجه ارتکب یا مجنی‌علیه بر مبنای هر یک از معیارهای وابستگی سنتی در جهت حفظ ارزش‌های مذکور به رسیدگی می‌پردازند صادق است. ولی این موضوع یک جنبه هرچند مهم از صلاحیت جهانی است. جنبه دیگری از موضوع که به بحث و گفتگو در محافل حقوقی در یک دهه اخیر دامن زده همانا برخورداری محاکم ملی از چنان اقتداری در دادرسی است که در رسیدگی به پاره‌ای از جرایم که هیچ ارتباطی با آن ندارند خود را واجد صلاحیت بشناسند. از خاطر نباید دور داشت که صلاحیت در معنی عام از عناصر تشکیل دهنده حاکمیت‌های ملی است. دولت‌ها حق دارند و در مواردی مکلف‌اند با وضع قوانین و مقررات (صلاحیت تقنینی)، به استناد احکام و تصمیمات مراجع قضایی (صلاحیت